

## تصمیمات ترامپ در ۵۰ روز اول دوره دوم، تحلیلگران را شگفت زده کرد

# تخریب گر نظم آمریکایی

### سیاست

کابینه دونالد ترامپ در دوره اول باشتفتگی رهبر رو به بود، دیواری که قرار بود در مرز جنوبی ساخته شود، هرگز بنا نشد و «هفته زیرساخت» نیز هیچ گاه از راه نرسید. اما این بار، دولت ترامپ وفادار، آماده و در حال اجراست. شتابی که پشت سیاست های ترامپ شکل گرفته، تقریباً همه را غافلگیر کرده است. با تأیید رئیس جمهوری، وزارت بهره‌وری دولت پایه های قوه مجریه را لرزاند است. تعهد آمریکا به کمک‌های خارجی از میان رفته، زیرا این وزارتخانه (DOGE) آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا (USAID) را تعطیل کرده است. تیم‌های ایلان ماسک اکنون در پنتاگون، وزارت خارجه و سازمان های اطلاعاتی مشغول به کار هستند. این اقدامات پیامی به جهان ارسال کرده مبنی بر اینکه تعهد هشتادساله ایالات

نظم جدید در میان ویرانه‌های کنفرانس امنیتی مونیخ در حال شکل‌گیری است؛ جایی که معاون رئیس جمهوری، جی دی ونس، ارزش‌های لیبرالی را که برای بسیاری از اروپاییان همچون حاکمیت ملی مقدس است، زیر پا گذاشت. بی‌توجهی ترامپ به ارزش‌های بنیادین نظم بین‌المللی لیبرال، اروپا را مجبور کرده است که در برابر این وضعیت واکنش نشان دهد.

### ناتو بدون رهبری آمریکا؟

ترامپ تنها هفت هفته است که در قدرت است، اما همین مدت کوتاه برای زیر و رو کردن نظم امنیتی فرآتلاتنتیکی کافی بوده است.

رئیس جمهوری آمریکا ابتدا تهدید کرد که کنترل گریبلند، سرزمین خودمختار دامنارک و یکی از متحدان ناتو را به دست خواهد گرفت و هشدار داد که در صورت لزوم، این کار را با نیروی نظامی انجام خواهد داد. تنها چند هفته بعد، پیت هگرت، وزیر دفاع ترامپ، در نشست در بروکسل به اروپایی‌ها اعلام کرد که باید مسئولیت کامل امنیت اروپا را بر عهده بگیرند و سهم «عظیمی» از تأمین مالی دفاع اوکراین را متقبل شوند.

پس از آن، معاون رئیس جمهوری، جی دی ونس، در کنفرانس امنیتی مونیخ سخنرانی‌ای جنجالی ایراد کرد و رهبران اروپایی را به تهدید دموکراسی متهم کرد. این مواز را در کنار مشاجره ترامپ و زلنسکی در کاخ سفید و پیامدهای آن قرار دهید: اکنون کاملاً روشن است که ائتلاف فرآتلاتنتیکی پیش از هر زمان دیگری تحت فشار قرار دارد. این تهدیدها واکنش‌های متفاوتی را برانگیخته است: کمیسیون اروپا در حال افزایش تلاش‌های خود است؛ در اوایل ماه مارس، طرح بازتسلیح اروپا را ارائه کرد. از نظر دیپلماتیک نیز، کشورهای اروپایی و کانادا با زلنسکی و اوکراین همراه شده‌اند و از طریق مجموعه‌ای از نشست‌ها، بیانیه‌های مشترک و مواضع هماهنگ در برابر آمریکا، حمایت خود را نشان داده‌اند.

چالش اصلی اینجاست که کشورهایی با رویکرد فرآتلاتنتیکی، بویژه کشورهای نوردیک و بالتیک، خواهان حفظ حضور آمریکا در امنیت اروپا و مهار تجاوز روسیه هستند. اما کشورهایی مانند فرانسه که مدت‌هاست بر خودکفایی دفاعی اروپا تأکید دارند، این شرایط را فرصتی برای استقلال استراتژیک اروپا می‌بینند. نتیجه این تحولات، تضعیف بیشتر ناتو و بی‌اعتمادی به ماده ۵ این معاهده، یعنی تضمین دفاع جمعی است. برای ائتلافی که بر پایه اعتماد بنا شده، این وضعیت نگران‌کننده است. در حالی که ناتو در گذشته نیز با چالش‌های داخلی مواجه بوده، اما واکنش‌های اخیر دولت ترامپ علیه روابط امنیتی فرآتلاتنتیکی متفاوت است، زیرا آمریکا پشتوانه اصلی این ائتلاف محسوب می‌شود.

قدرت نظامی ایالات متحده، برای چندین دهه، نقش رهبری طبیعی آن را در ناتو تثبیت کرده است؛ نشانه آن نیز استقرار ۱۰۰ هزار نیروی نظامی آمریکایی در اروپا و هزینه‌های دفاعی بالاتر از هر متحد دیگر است. ناتویی بدون رهبری آمریکا و تضمین دفاع جمعی آن، در کوتاه‌مدت در برابر تجاوز فزاینده روسیه، سرگردان خواهد ماند. اروپا باید اختلافات داخلی را کنار بگذارد و به سرعت ستون اروپایی این ائتلاف را تقویت کند.

### اهداف ترامپ در خاورمیانه

هفته‌های اول ریاست جمهوری ترامپ خطوط کلی سه هدف اصلی او در خاورمیانه را ترسیم کرده است: پایان دادن به جنگ غزه، انتقال مسئولیت مدیریت درگیری‌ها و امنیت به شرکای آمریکا در خلیج فارس، و اعمال حداکثر فشار بر ایران برای وادار کردن آن به مذاکرات درباره برنامه هسته‌ای اش.

اما ترامپ این اهداف را به سرعت محقق نخواهد کرد. فعلاً او با اعلامیه‌های ناگهانی، فرمان‌های اجرایی و دیپلماسی منطقه‌ای و ژئودپلماتیک پیش می‌رود.

با وجود اظهارات جنجالی مبنی بر اینکه باید فلسطینیان

در مدت تنها ۵۰ روز، رئیس جمهوری ترامپ بیش از هر یک از پیشینیان مدرن خود، پایه‌های نظام بین‌المللی را که ایالات متحده در ۸۰ سال گذشته با زحمت بنا کرده بود، از درون تهی کرده است.

او ایالات متحده را بدون آنکه رسماً تغییری در مسیر اعمال کند یا دلبلی رهابردی ارائه دهد، به تغییر موضع در جنگ اوکراین سوق داده و تمام صحبت‌ها درباره کمک به یک دموکراسی نوپا برای دفاع از مرزهایش در برابر یک مهاجم بزرگ‌تر را کنار گذاشته است. او بدون تردید، دستور داد که آمریکا در کنار روسیه و کره شمالی رای دهد تا قطعنامه‌ای در سازمان ملل که مستکراً به عنوان متجاوز معرفی می‌کرد، شکست بخورد. تهدیدات او برای کنترل کانال پاناما، گریبلند، غزه و حتی کانادا به نظر سلطه‌طلبانه می‌آید، از جمله ادعایش در روز سه‌شنبه که مرز میان آمریکا و متحد شمالی اش (کانادا) یک «خط جدایی مصنوعی» است.

ترامپ، اوکراین را از دریافت تسلیحات و حتی تصاویر ماهواره‌ای تجاری آمریکایی محروم کرد؛ تا حدی به دلیل خشمش از مشاجره‌ای که در دفتر بیضی با ولودیمیر زلنسکی داشت، اما بیشتر به این دلیل که رئیس جمهوری اوکراین بر تضمینی اصرار دارد که در صورت تجدید قوای روسیه و حمله مجدد، غرب به کمک اوکراین خواهد آمد.

رئیس جمهوری آمریکا، تعرفه‌هایی را بر متحدانش اعمال کرده و آنها را از راه‌هایی توصیف کرده که از اقتصاد آمریکا تغذیه می‌کنند. او اعتماد میان متحدان ناتو را تا حدی تخریب کرده که فرانسه در حال بررسی گسترش «چتر هسته‌ای» کوچک خود بر اروپاست و لهستان نیز به ساخت سلاح هسته‌ای خود فکر می‌کند. هر دو کشور نگرانند که دیگر نتوان روی ایالات متحده به عنوان مدافع نهایی اتحاد ناتو حساب کرد، نقشی که آمریکا هنگام تدوین پیمان ناتو برای خود تعریف کرده بود.

هیچ‌کس نمی‌داند ترامپ تا چه حد در از هم گسستن نظامی که تمامی رؤسای جمهور آمریکا از زمان هری ترومن ساخته‌اند، موفق خواهد شد؛ دورانی از نهادسازی که وزیر خارجه ترومن آن را در کتابی با عنوان «حاضر در لحظه آفرینش» جاودانه کرد. زندگی در واشنگتن این روزها، چاس یوندر در لحظه تخریب را القا می‌کند. ممکن است چهار سال یا بیشتر طول بکشد تا مشخص شود که این تغییرات دائمی‌اند یا خیر، یا اینکه مدافعان نظام قدیم مانند سربازانی که در سنگرهای دنیایس به



عکس: The New York Times

## انقلاب ترامپ در سیاست خارجی

**هیچ چیز مانع ما نخواهد شد**  
در نگاهی به گذشته، اولین نشانه از اینکه رویکرد ترامپ نسبت به جهان به‌طور چشمگیری با سیاست‌های دوره اولش تفاوت خواهد داشت، در صبحی سرد در اوایل ژانویه، در باشگاه مارالگووی او در فلوریدا نمایان شد.

آمریکا بر گریبلند تأکید می‌کرد، به دلیل ثروت معدنی و موقعیت استراتژیک آن در نزدیکی آب‌های قطب شمال که توسط روسیه و چین مورد استفاده قرار می‌گیرد. او خواسته‌هایش برای دسترسی به کانال پاناما را اقامی کرد و بارها از ضرورت تبدیل کانادا به ایالت پنجاهویکم سخن گفت، تا جایی که دیگر مشخص شد شوخی نمی‌کند. در یک کنفرانس خبری در ۷ ژانویه، دو هفته پیش از مراسم تحلیفش، از او پرسیدند که آیا استفاده از فشار نظامی یا اقتصادی برای تحقق اهدافش در گریبلند یا کانادا را منتفی می‌داند؟ او پاسخ داد: «من تعهدی در این زمینه نمی‌دهم. شاید مجبور باشید کاری انجام دهید.»

این یک تهدید حیرت‌انگیز بود. رئیس جمهوری منتخب، بزرگ‌ترین ارتش جهان را علیه یک متحد ناتو تهدید کرده بود. برخی آن را لحن خاص ترامپ دانستند و نادیده گرفتند، اما در مراسم تحلیف خود، او بر این موضع تأکید کرد.

او گفت که جهان دیگر نمی‌تواند از سخاوت آمریکا و امنیتی که به متحدانش ارائه می‌دهد، سوءاستفاده کند. او از «تعبیق سرنوشت آشکارمان» (Manifest Destiny) سخن گفت، یک شعار ملی گرایانه متعلق به دهه ۱۸۹۰ و از ویلیام مک‌کینلی (رئیس جمهوری طرفدار تعرفه‌ها که فیلیپین را در جنگ آمریکا-اسپانیا تصرف کرد) تجمید کرد.

ترامپ همچنین از ایجاد خدمات درآمد خارجی (External Revenue Service) خبر داد که هدفش وضع تعرفه و مالیات بر کشورهای خارجی برای غنی‌سازی شهروندان آمریکایی بود. او اعلام کرد: «هیچ چیز مانع ما نخواهد شد.» و چیزی هم مانع او نشد.

از غزه خارج شوند تا آمریکا بتواند آنجا را به «روپواری خاورمیانه» تبدیل کند، ترامپ همچنان بر آزادسازی اسرا متعهد است. او استیو بیتکاف، فرستاده ویژه خود را مأمور کرده تا آتش بس شکننده را حفظ کند و طرفین را به مرحله دوم و دشوارتر مذاکرات، که هدف آن پایان دائمی درگیری است، سوق دهد.

این مذاکرات چالش‌برانگیز خواهند بود و دستیابی به توافق برای آزادسازی اسرای بیشتر و خروج اسرائیل از غزه بیشتر از آنچه انتظار می‌رفت، طول خواهد کشید. مصر، اردن و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس که در پایان فوریه در ریاضی هم آمدند، به‌طور فاطعانه با جابه‌جایی فلسطینیان مخالفت کرده و آن را پاک‌سازی قومی دانسته‌اند. در عوض، آنها طرح جایگزینی برای بازسازی و توسعه غزه طی پنج سال آینده ارائه داده‌اند. همچنین در حال تدوین ساختار حکومتی پس از جنگ به رهبری تشکیلات خودگردان فلسطین هستند که نیاز به تأیید اسرائیل دارد. این دقیقاً همان تاکوی دیپلماتیکی است که ترامپ به‌دنبال آن است.

### تعرفه‌های چندمنظوره علیه تجارت جهانی

چند هفته پس از آغاز دوره دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ، او تعرفه‌های ۲۰ درصدی اضافی بر کالاهای وارداتی از چین اعمال کرده و پس از تهدید به وضع تعرفه ۲۵ درصدی بر واردات از کانادا و مکزیک، از این تصمیم عقب‌نشینی کرده است. این سه کشور بزرگ‌ترین شرکای تجاری ایالات متحده هستند و بیش از ۴۰ درصد از کل تجارت کالایی آمریکا را تشکیل می‌دهند. ترامپ همچنین اعلام کرده است که تعرفه ۲۵ درصدی بر تمامی واردات فولاد و آلومینیوم و همچنین واردات از اتحادیه اروپا وضع خواهد کرد.

هیچ‌یک از این اقدامات با قوانین سازمان تجارت جهانی مطابقت ندارد و تفاوتی میان متحدان نزدیک و رقبای استراتژیک قائل نمی‌شود. تعرفه‌های آتی ممکن است به‌صورت «متقابل» اعمال شوند و بخش‌ها یا سیاست‌هایی را هدف قرار دهند که ترامپ معتقد است آمریکا در آنها به نایب منتضر شده است.

ترامپ تعرفه‌ها را ابزاری چندمنظوره می‌بیند. او تهدید کرده است که از این ابزار برای وادار کردن متحدان به افزایش هزینه‌های دفاعی و همچنین تحت فشار گذاشتن دامنارک و پاناما برای واگذاری حاکمیت اراضی خود به آمریکا استفاده خواهد کرد. او همچنین افزایش دائمی و قابل‌توجه میانگین تعرفه‌های آمریکا بر کالاهای مفید می‌داند و استدلال می‌کند که این اقدام باعث افزایش درآمد از خارجی‌ها، کاهش مالیات‌های داخلی، تشویق سرمایه‌گذاری و اشتغال در آمریکا، و کاهش کسری تجاری آمریکا خواهد شد.

اما در واقعیت، سیاست تعرفه‌ای ترامپ بیشتر به اقتصاد آمریکا آسیب خواهد زد تا منفعت برساند. عمده هزینه‌های تعرفه‌ای توسط مصرف‌کنندگان داخلی پرداخت می‌شود نه خارجی‌ها. در کوتاه‌مدت، تورم داخلی افزایش خواهد یافت، بویژه زمانی که این تعرفه‌ها با تحریک مالی دولت و سرکوب کارگران غیرقانونی ترکیب شود. در بلندمدت، این سیاست ایالات متحده را به مکانی غیرقابل اعتماد برای سرمایه‌گذاری در زنجیره تأمین جهانی تبدیل خواهد کرد. کشورهایی که با تاکتیک‌های ترامپ مواجه شده‌اند، معمولاً با اعمال اقدامات تلافی‌جویانه هدفمند و همچنین تمایل به مذاکره درباره مسائل مطرح‌شده از سوی ترامپ واکنش نشان داده‌اند. بازارهای جهانی سهام دچار رکود شده‌اند و نشانه‌هایی از واکنش سیاسی از سوی مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان آسیب‌دیده در آمریکا دیده می‌شود. نتیجه کوتاه‌مدت استراتژی تعرفه‌ای ترامپ هنوز نامشخص است، اما بعید به نظر می‌رسد که اعتماد به ایالات متحده و رویکرد آن به تجارت جهانی به‌راحتی احیا شود. کشورهای دیگر باید هرچه سریع‌تر واکنش جمعی را توسعه دهند تا نظام تجارت جهانی که تاکنون به نفع همه بوده است، حفظ کنند، چه آمریکا در آن مشارکت کند و چه نکند.

منبع: CHATHAMHOUSE

معتمدند ممکن است هدف بعدی روسیه باشند) که فردریش مرتس، حامی دیرینه اتحاد ترانس آتلانتیک که در آستانه تبدیل شدن به صدراعظم بعدی آلمان است، در شب انتخابات آلمان اعلام کرد که «اولویت مطلق» او دستیابی به استقلال از ایالات متحده خواهد بود. او گفت: «هرگز فکر نمی‌کردم مجبور شوم چنین چیزی بگویم، اما به این نتیجه رسیده‌ام که دولت جدید تا حد زیادی نسبت به سرنوشت اروپا بی‌تفاوت است.»

### نیکلاس برنز:

به این نتیجه

رسیده‌ام که

تصمیمات

ترامپ یک

انقلاب است.

وقتی که

شما در کنار

کره شمالی

علیه متحدان

ناتو رأی

می‌دهید،

وقتی که در

برابر روسیه

ایستادگی

نمی‌کنید

و زمانی

که تهدید

به تصرف

سرزمین‌های

متحدان خود

می‌کنید، یک

تغییر بنیادین

رخ داده است

منبع: The New York Times